

سخنی پیرامون واژه مشروطه

هدف ما در این مقاله تنها بحث کوتاهی پیرامون ریشه واژه مشروطه و معنی آن است. در نوشته‌های محققین تاریخ جدید ایران و ترکیه، واژه مشروطه بعنوان معادلی برای لغت انگلیسی Constitutionalism، و یا حکومتی که بر اساس يك قانون اساسی و سیستم پارلمانی تشکیل یافته باشد بکار برده شده است. در ایران دو واژه مشروطه و مشروطیت به آن سیستمی اطلاق می‌شود که پس از انقلاب سال ۱۳۲۴ قمری بوجود آمد. در کشورهای عربی، واژه دستور و در هند و پاکستان لغت آئینی، که هر دو فارسی می‌باشند، به جای لفظ کنستیتوسیون بکار برده شده است. در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام رژیم مشروطه در آن کشور (۱۸۷۶ میلادی)، واژه مشروطه به حکومتی اطلاق می‌شده است که بر اساس يك قانون اساسی پایه گذاری شود. نامق کمال، متفکر قرن ۱۹ عثمانی، بکرات در نوشته‌های خود عبارت‌های « دولت مشروطه » (۱) و « اداره مشروطه » (۲) را به معنای حکومت قانونی و غیر استبدادی بکار برده است.

همزمان با بکار بردن این واژه، واژه‌های مترادف دیگری نیز در نوشته‌های نویسندگان زمان بعنوان صفت برای يك حکومت قانونی غیر - استبدادی نیز بکار برده شده است. چنديك از این واژه‌ها عبارتند از مقیده (۳)، معتدله یا معتدل (۴)، محدوده (۵) و کنستیتوسیون (۶).

به نظر می‌رسد که این میرزا حسین خان سپهسالار بود که برای اولین بار، در سال ۱۲۸۵ قمری، هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراطوری عثمانی بوده واژه مشروطه را در خلال بعضی از گزارشهای خود به معنی مورد بحث کنونی ما به ایرانیان معرفی کرد. (۷)

در مورد ریشه لغوی واژه مشروطه اختلاف نظر در میان دانشمندان علاقمند به تاریخ مشروطه ایران وجود دارد. تقریباً کلیه نویسندگان ایرانی دوره انقلاب مشروطه واژه مشروطه را از ریشه عربی شرط گرفته بدون در نظر گرفتن ریشه واقعی آن، آنان را بدان معنی بکار برده اند. از میان این قبیل نویسندگان شمس کاشمیری (۸)، شیخ اسماعیل محلاتی (۹) و ادیب - الحکماء قراباغی (۱۰) را می توان بعنوان نمونه یاد کرد.

بکار بردن واژه مشروطه بعنوان صفت برای رژیم نو ایران بحث‌هایی جدی برانگیخت. بطورمثال، سعدالدوله گفت که لغت مشروطه به معنی چیزی است که مشروط بشرطی باشد و ترجمه‌ای است نادرست از لفظ فرانسوی کنستیتوسیون (۱۱). سید حسن تقی‌زاده می‌نویسد که یکی از علماء تبریز، آقامیرزا صادق آقا، پیشنهاد کرد که لفظ اصلی اروپائی که همان کنستیتوسیون باشد باید در ایران بکار برده شود. او اینطور استدلال کرد که اگر این لفظ عربی به دست علماء، بیفتد آنها مطابق صرف عربی، آنرا بشکل شرط بشرط و هوشارط و ذاک مشروط صرف خواهند کرد و سرانجام خواهند گفت: که رژیم نو باید مشروط به عدم آزادی و یا زیر حکومت علماء، باشد. (۱۲) بدین ترتیب این مجتهد تبریزی نیز مسلم فرض کرد که واژه مورد بحث از ریشه عربی شرط می‌آید.

علماء ایرانی ساکن عراق که در سال ۱۳۳۱ قمری بعنوان اعتراض به اشغال ایران وسیله روسیه تزاری از نجف، کربلا و سامراء بقصد عزیمت به ایران به کاظمین مهاجرت کرده بودند واژه مشروطه را نیز از ریشه شرط گرفتند. آنان آن واژه را بیاب استعمال برده لفظ اشتراط بکار بردند و آن را بعنوان یک رژیم در مقابل رژیم استبدادی معنی کردند. (۱۳) خلاصه لفظ مشروطه بعنوان صفت برای حکومتی بکار برده شد که براساس قانون اساسی و سیستم پارلمانی برقرار گردد و این لفظ از آنجهت در ایران استعمال شد که رژیم نو قرار بود محدود و محدودشراطی که قانون برای آن معین می‌کرد باشد. از طرف دیگر، نظریه دیگری ابراز شده است که با آنچه در بالا گفته شد تفاوت دارد. این نظریه نو را آقای تقی‌زاده و دکتر رضا زاده شفق بیان کردند. همانطور که می‌دانیم این دو نفر بعنوان سیاستمدار، محقق و هم شاهد انقلاب مشروطه ایران شناخته شده‌اند. تقی‌زاده می‌نویسد که لغت مشروطه از لفظ فرانسوی لاشارت (la charte) جدا شده است نه واژه عربی شرط. نامبرده اضافه می‌کند که لاشارت از اروپا به ترکیه عثمانی راه

یافت و در آنجا از آن ، لفظ مشروطیت را ساختند و سپس آن لفظ به ایران وارد شد . (۱۴)

دکتر رضازاده شفق نیز همین عقیده را دارد و توضیح بیشتری در این خصوص می دهد . ایشان می گویند : « کلمه مشروطه از ترکیه به ایران آمد . ممکن است ترکها آن را درست کرده باشند که معنی حکومت ضد استبدادی یعنی حکومتی که محدود بشراطی است ، از آن بگیرند ، ولی به خاطر دارم که در بعضی از نوشته های ترکها خوانده ام که آنها لفظ مشروطیت را از شرط عربی نگرفته بلکه از اشارت فرانسوی استفاده کرده اند . این گونه جدا شده ها در میان ترکها رایج است . مثلاً کسی که ریش خود را تراشیده باشد او را مطروش که از لفظ فارسی تراش می آید می نامند . درحقیقت اگر لفظ کنستیتوسیون را به مشروطه عربی ترجمه می کردند یک ترجمه نادرستی می بود . (۱۵)

از میان دانشمندان ترك شناس ، نیازی برکس (Nivazi Berkes) (۱۶) و برنارد لوئیس (Bernard Lewis) (۱۷) نیز لفظ مشروطه را جدا شده از شرط عربی می دانند . در این مورد آقای برکس ، که خود اهل ترکیه است ، در سال ۱۹۷۰ در مونترئال کانادا برای نویسنده حاضر توضیح داد که « تئوری دکتر رضازاده شفق جنبه کلی نمی تواند داشته باشد زیرا در زبان ترکی آن گونه اشتقاقها معمولاً محدود به لغات عربی و فارسی است نه کلمات انگلیسی و فرانسه و یا آلمانی و لفظ اشارت فرانسوی همیشه به کلمه فرمان در زبان ترکی ترجمه شده است . »

باید در اینجا اضافه کنم که واژه مشروطه در ترکیه عثمانی برای قرنهای بکار برده شده بوده است ولی بطوریکه در کتاب فرهنگ ردهاوس (Redhouse) آمده است ، به معنی يك ملك و یا وديعه (trust) غیر قابل خرید و فروش که مؤسس آن در مورد تعیین متولی و امین و به مصرف رساندن درآمد شرائطی تعیین کرده باشد . (۱۸)

در نوشته های نامق کمال اصطلاح « شرطنامه اداری » به خط گلخانه (۱۷) اطلاق شده است . این استعمال با معنی اصلی کلمه مشروطه که در بین ترکها متداول بوده است بی رابطه به نظر نمی رسد . يك ملك یا آن شرائط را ، که می توان آن را موقوفه نامید ، مشروطه می نامیدند زیرا محدود به مقررات و شرائطی بود که بانی آن برای آن تعیین کرده بوده است . « خط گلخانه » را شرطنامه نامیدند زیرا که آن عبارت از فرمانی بود که حقوق سلطان

عثمانی را محدود می‌کرد و قدرتش را در چارچوب شرایطی معین قرار می‌داد و خلاصه اعمال قدرت سلطان عثمانی را مشروط به شرایطی خاص می‌شناخت که قانون برای او پیش‌بینی می‌کرد.

ظاهراً اینطور به نظر می‌رسد که کلمه مشروطه، هم به معنای دیرینه آن در میان ترکها و هم در اصطلاح مورد استعمال نامق کمال، هر دو از همان شرط عربی گرفته شده باشد. بنابراین، این نکته ما را به این عقیده رهبری می‌کند که مشروطه به معنای **Constitutionalism** نیز ممکن است از شرط عربی گرفته شده باشد زیرا کلمه اخیر هم به یک سیستم حکومتی اطلاق می‌شود که قدرت حکومت و سلطنت را محدود و مشروط به شرایطی می‌کند. متأسفانه، تا آنجا که این نویسنده آگاه است، تقی‌زاده توضیح بسنده‌ای پیرامون نظریه خویش نداده است. دکتر شفق هم که همان نظریه را با توضیح بیشتری آورده آن منبع ترکی را که در این مورد، استفاده کرده بوده نشان نداده است. ولی علیرغم فرض‌ها و احتمالاتی که در بالا آوردیم، نظریه تقی‌زاده و شفق خالی از اساس هم به نظر نمی‌رسد. چون واژه مشروطه یک ترجمه تحت‌اللفظی و واقعی لفظ **Constitution** و یا **Constitutionalism** نیست، ما می‌توانیم حدس بزنیم که ترکها در ترجمه آن، معنی مشروطه که از شرط عربی گرفته شده باشد در نظر نداشتند. اگر می‌خواستند آن لفظ خارجی را ترجمه کنند آنها شاید یک لغت ترکی، مثلاً لفظ «تروک»، را که به معنی قانون اساسی است، استعمال می‌کردند. واژه تروک بوسیله ترکهای قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی نیز بکار برده شده و اشاره ضمنی است به قانون اساسی حاکم بر دولت تیمور لنگ (مرگ ۱۴۰۴ میلادی). بهترین دلیل بازمانده از این گونه استعمالها کتاب «تروکات تیموری» است. (۲۰)

عده بسیاری از متفکرین قرن ۱۹ ترکیه به این نکته آگاه بودند که اصطلاحات عربی و فارسی به آسانی ممکن بود معانی دیرینه و یا مذهبی بدان چسبانده شود و در نتیجه به نفع سلطان عثمانی که بعنوان حاکم اسلامی شناخته شده می‌شد مورد تفسیر و تعبیر قرار گیرد.

بنابراین احتمال می‌رود که آنها یک لغت فرانسه (لاشارت) را برداشته‌اند و از آن کلمه مشروطه را مطابق سبک متداول بین خود جدا کرده‌اند. این گونه تمایلات، همانطور که در بالا در مورد سخن آن مجتهد تبریزی اشاره شد، در ایران نیز وجود داشت.

علاوه بر این ، خواننده کتاب خاطرات مسافرت طهطاوی متفکر مشهور قرن ۱۹ مصر ، به اروپا ، بکرات به کلمه الشرطه برخورد می کند . (۲۱) طهطاوی در سال ۱۲۴۲ قمری (۱۸۲۶) بعنوان سرپرست مذهبی دانشجویان مصر به دستور محمدعلی خدیو وقت مصر عازم فرانسه گردید . او ضمن انجام وظائف لازم ، به مطالعه پیرامون اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی فرانسه پرداخت . نتیجه مطالعات او کتاب خاطرات او است که از حیث مطلب تاحدی همانند خاطرات میرزا صالح شیرازی است که ۱۱ سال پیش از خاطرات طهطاوی نوشته شده ، با این تفاوت که میرزا صالح درباره انگلیس و لندن نوشت ولی طهطاوی فرانسه و پاریس . علاوه بر این طهطاوی قانون اساسی ۱۸۱۴ فرانسه را به عربی در کتاب خاطرات خود ترجمه کرد . (۲۲) طهطاوی واژه الشرطه را اینطور در کتاب خود بیان می کند :

« کتابی که ... حاوی قانون اساسی [فرانسه] است « الشرطه » نامیده می شود که در زبان لاتین به معنی یسک پاره کاغذ است . از این کلمه ترجمه آزاد و سپس به يك سند مکتوبی اطلاق گردید که حاوی احکامی مقید باشد . بنابراین ما آنرا برای شما یاد می کنیم ، اگرچه بیشتر آنچه در این کتاب آمده است نه در کتاب خدای تعالی و نه در سنت رسول صلی الله علیه وسلم موجود است . [این را می آوریم] تا بدانید که چگونه خود مردم فرانسه حکم می کند به اینکه داد و انصاف از وسائل آبادی کشورها و سبب آسایش مردم است . » (۲۳) بدین ترتیب طهطاوی کلمه الشرطه را بعنوان معادل لغت لاشارت بکار برد . همانطور که پیداست این کلمه شباهت به همان شرط عربی دارد به اضافه يك ه در آخرش ، این کلمه به این معنا در سال ۱۲۴۷ قمری (۱۸۳۱) هنگامی که کتاب خاطرات طهطاوی در مصر چاپ شد ، برای اولین بار به دنیای عرب معرفی گردید . متفکرین ترك به مطالب کتاب طهطاوی علاقه وافری یافتند . بنابراین فردی به نام رستم بسیم آنرا به ترکی ترجمه و در سال ۱۲۵۵ قمری (۱۸۳۹) در قاهره آنرا به نام « سیاحت نامه » منتشر کرد در ترجمه ترکی کتاب ، لغت فرانسوی لاشارت عیناً به همان شکل عربی خود (بدون الف و لام) که طهطاوی آورده بود ، یعنی شرطه ، بکار برده شد . (۲۴)

بنابراین نیز جا دارد که ما حدس بزنیم که بعدها آن واژه شرطه به تبعیت از قواعد صرف عربی که در ترکیه متداول است و دکتر شفق نیز بدان

اشاره کرده ، لفظ مشروطه و مشروطیت ساخته شده است . بدین ترتیب می‌شود گفت که از نظر شکل لغت ، کلمه شرط بعنوان يك لغت عربی به صورت مشروطه درآمده است نه بعنوان لاشارت فرانسوی . این نتیجه گیری با آنچه از قول استاد برکس در مورد شیوه اشتقاق لغات در ترکی در بالا یاد گردید نیز منافات نخواهد داشت . ولی از حیث معنی و ریشه لغوی ، واژه مورد بحث از همان لاشارت فرانسوی ، که معنی کنستیتوسیون می‌دهد ، ممکن است گرفته شده باشد .

و اما در مورد معنی لغت مشروطه :

در سال ۱۳۲۴ (۲۷ ذیحجه) واژه مشروطه برای اولین بار در يك فرمان رسمی صادره از جانب محمد علی شاه زیر فشار آزادیخواهان بکار برده شد . چون در فرمان‌های پیشین مظفرالدین شاه لغت مشروطه یاد نشده بود ، شاه جدید مجبور شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه مشروطه تأیید کند . (۲۵) بنابراین محمدعلیشاه در فرمان خود صریحاً چنین اعلام کرد :

« از همان روز که فرمان شاهنشاه مبروراناراله برهانه شرف صدور یافت و امر به تأسیس مجلس شورای ملی شد دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون بشمار می‌آید . » (۲۶)

در این فرمان ، همانطور که دیده می‌شود ، هر دو واژه مشروطه و کنستیتوسیون بکار برده شده است . مفهوم این فرمان این است که ایران حکومت مشروطه خود را آغاز کرده و قرار است که مانند کشورهای مشروطه دمکراسی دنیا مانند : بلژیک ، انگلیس ، فرانسه و غیره ، امور حکومت و مملکت را طبق قانون اساسی اداره کند .

ما مطمئن نیستیم که محمد علی شاه تا چه حد از معانی کلمات فرمانی که زیر آنرا امضاء کرد آگاه بوده است ولی مامی دانیم که کسانی که انقلاب مشروطه را رهبری می‌کردند دارای عقاید مختلفی درباره مشروطه بودند . بنابراین در اینجا می‌توان فعالین در انقلاب مشروطه اعم از موافق و مخالف را در رابطه با معنی سیستم پارلمانی مشروطه بر سه دسته اصلی تقسیم کرد :

۱- مشروطه‌طلبان آزادیخواه . این عده ، و یا حداقل جمعی در میان آنها ، که عامل مؤثر صدور فرمان محمدعلیشاه بودند کاملاً آگاهی به قواعد دمکراسی داشتند . در نظر آنها مشروطه نه تنها به معنی يك سیستم مبنی بر تفکیک قوا و براساس يك سلسله قوانین اساسی تعیین کننده وظائف حکومت و

حقوق مردم بود، بلکه مشروطه دلالت نیز داشت بر يك رژیم دموکراسی، شبیه همان دموکراسی‌هایی که در بعضی از کشورهای اروپائی وجود داشت؛ يك سیستمی که فلاسفه غربی مانند لاک و مونتسکیو پیرامون آن داد سخن داده‌اند. در اینجا باید اضافه شود که يك حکومت قانونی و مبنی بر يك قانون اساسی و یا به اصطلاح کنستیتوسیونل ممکن است بدون دموکراسی وجود داشته باشد. يك قانون اساسی مثلاً ممکن است به يك فرد مستبد حق حکومت بدهد. يك قانون اساسی حتی می‌تواند اصول دموکراسی را مخالف قانون اعلام کند. آنچه که بطور بارز تفاوتی بین يك حکومت استبدادی و غیر استبدادی می‌گذارد همانا اصول دموکراسی است. البته این مشکل است که يك تعریف جامع و مانع از دموکراسی کرد، ولی قواعدی وجود دارد که از مختصات و مشخصات يك رژیم دموکراسی شمرده شده است. بنا به قول میو (Mayo) :

«... يك سیستم سیاسی و دموکراسی عبارت است از سیستمی که در آن خط مشی سیاست عمومی بر اساس اکثریت آراء و بوسیله نمایندگان پارلمان ریخته می‌شود. [این روش] مشروط است به کنترل عموم مردم در انتخابات متناوبیکه بر اساس قوانین مساوات سیاسی و تحت شرایط آزادی سیاسی انجام می‌گیرد.» (۲۷)

این قواعد و اصول و شرایط تا میزان زیادی مورد توجه ایرانیان آزادیخواه آن زمان بود و از آن پشتیبانی می‌کردند. گنج‌نابین اصل ۲۲، که حاکمیت را متعلق به مردم می‌داند، به متمم قانون اساسی نشان دهنده آن است که بسیاری از آزادیخواهان در راه دموکراسی فعالیت می‌کردند. علاوه بر این (بین علماء مشروطه خواه و آزادیخواهان مشروطه طلب در مجلس اول نزاع بزرگی بر سر اصل مربوط به مساوات صورت گرفت. نوشته‌های مخبر همایون (۳۸) و گزارش‌های رسمی وزیر انگلیس در تهران (۲۹) نشان می‌دهد که سید عبدالله بهبهانی، که از روحانیون پیشرو مشروطه بود و همچنان نسبت به مشروطیت وفادار ماند، با مسأله مساوات تمام مردم ایران که در اصل ۸ متمم قانون اساسی در نظر گرفته شده است سخت مخالفت می‌ورزیده، زیرا اصل مزبور را اسلامی نمی‌دانسته است.

او استدلال می‌کرده است که یهودی و مسلمان نباید دارای حقوق مساوی باشند. (۳۰) این اختلاف نظر در میان دو گروه مشروطه خواه گزارش‌گر از آن است که در نظر آزادیخواهان، مشروطه به معنی يك رژیم دموکراسی بوده است.

۲- روحانیون ضد مشروطه . در نظر این گروه ، مشروطه يك سیستم شیطانی بشمار می آمد که هدفش از بین بردن اسلام بوده است . به همین دلیل صفت مشروطه را خواستند بدان اضافه کنند تا اینکه حکومت مشروطه را کاملاً محدود به قوانین شرع اسلام گردانند . آنها گفتند : « ای برادر ، نظامنامه ، نظامنامه ، نظامنامه ، لکن اسلامی ، اسلامی ، اسلامی » . (۳۱)

۳- علماء مشروطه حواه . در برابر این دو گروه مخالف ، علماء مشروطه خواه قرار داشتند که می گفتند مشروطه يك سیستم سیاسی است که قواعد و اصول آن با تئوری حکومت در شیعه منافات ندارد و قابل انطباق با آن است . (۳۲)

با در نظر گرفتن این طبقه بندی ، این بسیار مشکل خواهد بود که در باره میزان آشنائی سران مشروطه به اصول رژیم جدید و عقاید گوناگونی که گروههای مختلف آنان درباره معنی مشروطه داشتند يك داوری کلی کرد . خانم لمبتون (Lambton) چنین داوری کلی را کرده است . ایشان می نویسد :

«... تمایل اساسی کسانی که جنبش مشروطه را پشتیبانی می کردند

نه انقلاب بلکه اجرای وظیفه اسلامی امر بمعروف و نهی از منکر بود . » (۳۳)

این کلیت دادن ممکن است مورد تردید قرار گیرد زیرا آن انقلابیونی که قوانین مساوات ، آزادی و حاکمیت مردم ایران را در متمم قانون اساسی گنجانیده از مجلس گذرانند تنها هدفشان اجرای اصول امر بمعروف و نهی از منکر نبود . اگر این نکته حقیقتی داشت پس چگونه به بهانی ، هنگامی که در مجلس پیشنهاد کرد که دستورهای قرآنی لازم است در امور مملکتی و سیاسی پیروی گردد مورد حمله سخت بعضی از نمایندگان مجلس قرار گرفت ؟ (۳۴)

پس چرا همان مجتهد به مناسبت مخالفتش با اصل مربوط به مساوات وسیله یکی از آزادیخواهان تهدید به مرگ گردید ؟ (۳۵)

یادداشتها

- (۱) نامق کمال ، کلیات کمال : مقالات سیاسی و ادبیه (استانبول : سلانیک ، ۱۹۰۹) ، ج ۳ ، ص ۱۶۹ .
- (۲) همان منبع ، ص ۱۷۸ .
- (۳) سید جمال الدین اسدآبادی « افغانی » ، « الحكومة الاستبدادیه » ، المنار ، ج ۳ (۱۹۰۰) ، ۵۷۸ .
- (۴) ملک خان ، مجموعه آثار میرزا ملکم خان ، تدوین و تنظیم محمد محیط طباطبائی (تهران : دانش ، ۱۳۲۷ شمسی) ، ص ۱۵ .
- (۵) شیخ اسماعیل غروی محلاتی ، اللثالی المربوطه فی وجوب المشروطه (بوشهر : مظفری ، ۱۳۲۷ قمری) ، ص ۳ ؛ میرزا محمد حسین نائینی ، تنبیه الامه و تنزیه المله ؛ تصحیح و مقدمه آقا سید محمود طالقانی (تهران : فردوسی ، ۱۳۳۴ شمسی) ، ص ۱۲ . این کتاب به قلم صالح جعفری به عربی ترجمه شده است ؛ نگاه کنید به « استبداد و الیتمقراطیه » ، العرفان ، ج ۲۰ (۱۹۳۰) ، ۴۳-۴۶ ، ۱۷۲-۱۸۰ ، ۴۳۲-۴۳۸ و ج ۲۱ (۱۹۳۱) ، ۴۵-۵۲ ، ۵۳۴-۵۵۲ .
- (۶) یوسف مستشارالدوله تبریزی ، يك كلمه (پاریس [۴] ، ۱۳۸۷ قمری) ص ۱۷ .
- (۷) فریدون آدمیت ، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت (تهران : سخن ، ۱۳۴۰ شمسی) ، ص ۶۶ .
- (۸) میرزا یوسف شمس الافاضل قرشیزی (شمس کاشمیری) ، کلمه جامعه شمس کاشمیری در معنای شورا و مشروطه و مجلس شورا یملی و توافق مشروطیت با قانون اسلامی (تهران ، ۱۳۲۹ قمری) ، ص ۵۴ .
- (۹) محلاتی ، اللثالی ، ص ۴ .
- (۱۰) میرزا سلیم خان ادیب الحکما ، حاجی لوی جوانشیر قرا باغی ، شب نشینی رمضان و قصه سنگ و سبو (تهران ، ۱۳۲۷ قمری) ، صفحات ۳۰۴-۳۰۵ .
- (۱۱) سید حسن تقی زاده ، خطابہ : تاریخ اوائل انقلاب و مشروطیت (تهران : باشگاه مهرگان ، ۱۳۳۸ شمسی) ، ص ۵۳ .
- (۱۲) همان منبع ، صفحات ۵۳-۵۴ .

- (۱۳) نگاه کنید به بیانیه میرزا فتح الله شریعت اصفهانی تحت عنوان «کشف حال و قطع مقال»، ص ۶. این بیانیه در تاریخ ۲۶ صفر ۱۳۳۰ در مطبعه الاداب بغداد چاپ و سپس به جلد ۲ مجله العلم (۱۹۱۱) نیز پیوست گردیده است. ترجمه فارسی آن تحت عنوان «در خصوص وجوب رفع غائله خلاف و نفاق و لزوم اتحاد و اتفاق در حفظ استقلال اسلام و رفع تعدیات اجانب»، در روزنامه حبل المتین (کلکته)، ۱۲ ع ۲، ۱۳۳۰، صفحات ۷-۸ آمده است. ترجمه انگلیسی این بیانیه همراه با شرح پیرامون حوادثی که منجر به صدور آن گردید وسیله این نویسنده در مجله *Die Welt des Islams* چاپ و نشر خواهد گردید. خلاصه‌ای از این مقاله نیز قرار است بصورت یک سخنرانی در هفتمین کنفرانس سالیانه (نوامبر ۱۹۷۳) *Middle East Studies Association of north America* در *Milwakee, Wisconsin, U. S. A.* تحت عنوان «the Shi'i Ulama's Resistance to the Russian Invasion of Iran in 1911» وسیله این نویسنده ایراد گردد. برای اطلاع بیشتر از قیام علماء ایرانی مقیم عراق بر ضد اشغال روس، نگاه کنید به احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان (تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۳ شمسی)، ص ۴۹۷ به بعد؛ ا. س. د. نظام الدین زاده، هجوم روس به ایران و اقدامات رؤساء دین در حفظ ایران (بغداد: الاداب، ۱۳۳۱ قمری)، در صفحه ۲۲ کتاب اخیر لفظ اشتراف به ممنی رژیم مشروطه ایران در خلال اعلامیه سید اسماعیل صدر، میرزا محمد علی شیرازی و شیخ عبدالله مازندرانی نیز دیده می‌شود.
- (۱۴) تقی زاده، خطابه، صفحات ۱۸، ۵۳.
- (۱۵) دکتر رضازاده شفق، خاطرات مجلس و دمکراسی چیست؟ (تهران: کیهان، ۱۳۳۴ شمسی)، ص ۱۴۱.
- (۱۶) *Niyazi Berkes, the Development of Secularism in Turkey (Montréal: Mc Gill University Press, 1964), P. 232.*
- (۱۷) *B. Lewis, «Dustur», ii - Turkey, the Encyclopedia Islam, 2nd edition, vol. II, 940.*
- (۱۸) *James W. Redhouse, a Turkish and English Lexicon (Constantinople: the American*

Board Mission, 1921) , P. 1808

برای اطلاع بیشتر در مورد استعمال این لغت در ترکیه عثمانی ، قبل از قرن ۱۹ ، نگاه کنید به :

Mehmet Zeki Pakalin , Osmanli Tarih Deyimleri ve Terimleri Sozlugu (Istanbul : Milli E Gitim Basimevi, 1953) , II, 493-94.

(۱۹) خط گلخانه عبارت است از فرمان سلطان عثمانی در باره ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در امپراطوری عثمانی و محدود کردن اختیارات سلطان . این فرمان در سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۵۶) صادر گردید . برای اطلاع نگاه کنید به :

Rederic H. Davison , Reform in the Ottman Empire 1956 - 1876 (Princeton : University Press, 1963) .

(۲۰) این کتاب ، بنا بر احتمال ، اصلا به زبان ترکی چفاتائی به قلم خود تیمور نوشته و به وسیله ابوطالب الحسینی به فارسی ترجمه شده است . سپس از روی ترجمه فارسی به وسیله میجر دبلیو . دیوی (Major W. Davy) تحت عنوان :

Instiute : Political and Military (Oxford, 1783)

به انگلیسی ترجمه گردیده است . نگاه کنید به مقدمه استاد مجتبی مینوی بر چاپ اخیر کتاب تزوکات تیموری (تهران : انتشارات اسدی ، ۱۳۴۲ شمسی) .

(۲۱) دفاعه رافع الطهطاوی ، تخلص الأبریز الی تلخیص باریز (قاهره : البابی الحلبی ، ۱۹۵۸) ، صفحات ۱۴۰-۱۴۱ ، ۱۴۷-۱۴۸ ، ۱۵۲ و صفحات دیگر .

(۲۲) برای اطلاع از شرح حال و افکار طهطاوی به کتب و مقالات متعددی می توان مراجعه کرد . یکی از آنها را برای نمونه در اینجا می آوریم :

Khaldun S. al - Husry , Three Reformers : A Study in Modern arab Political Thought (Beirut : Khayyat, 1966) , PP. 11-32.

برای مقایسه نگاه کنید به سفرنامه میرزا صالح شیرازی ، به تصحیح و مقدمه اسماعیل رائین (تهران : روزن ، ۱۳۴۷ شمسی) . برای اطلاع از چگونگی و مشخصات چاپ سفرنامه ، نگاه کنید به محمد اسدزاده ، « سفر - نامه میرزا صالح شیرازی » ، راهنمای کتاب ، ج ۱۳ (۱۳۴۹) ، ۶۰۸-۶۱۷ .

(۲۳) طهطاوی ، تخلص ، ص ۱۴۰ عین کلام طهطاوی بقرار زیر است :

« والکتاب المذكور الذی فیہ هذا القانون یسمى الشرطه ومعناها فی اللغة اللاطینیة ورقة ثم متومح فیها ، فاطلقت علی السجل المكتوب فیہ الاحکام المقیده ، فلندکرک ، وان کان غالب ما فیہ لیس فی کتاب اله تعالی ، ولا فی سنة رسول اله صل اله علیه وسلم ، لتعرف کیف قد حکمت عقولهم بسان العدل و الانصاف من اسباب تعمیر الممالک و راحة العباد . »

(۲۴) نگاه کنید به سیاحت نامه (قاهره ، بولاق ، ۱۲۵۵ قمری) ، ص ۷۳ ؛ ترجمه ترکی عبارت طهطاوی با این کلمات آغاز می شود : « ... و قانون مذکور حاوی اولان کتابک اسمنه شرطه تسمیه ایدرلر و بعضاً قارطه دخی تعبیر ایدرلر شرطه نک معناسی لغت لاتینیہ ده ورقه ... » درخصوص کلمه مشروطه تحقیقاتی دیگر قبلاً بعمل آمده است . نگاه کنید به محمد محیط طباطبائی ، « فرمان مشروطه از کیست ؟ » ، محیط ، ج ۱ (۱۳۲۱ شمسی) ، ۱۸-۹ و دوره دوم محیط ج ۱ ، شماره ۴ (۱۳۲۶ شمسی) ، ۱۸-۲۰ ، ۲۳ ؛ همان نویسنده ، « ریشه مشروطه » ، محیط م ج ۱ ، شماره ۳ ، دوره دوم (۱۳۲۶ شمسی) ، ۴۲ ؛ محمد اسماعیل رضوانی ، « معنی لغت مشروطه و ریشه آن » ، سالنامه کشور ایران ، ج ۲۰ (۱۳۴۴ شمسی) ، صفحات ۳۳۵-۳۳۸ .

(۲۵) برای شرح بیشتر نگاه کنید به محیط طباطبائی ، « فرمان مشروطه از کیست ؟ » محیط دوره دوم ، ج ۱ ، شماره ۴ (۱۳۲۶ شمسی) ، صفحات ۱۸-۲۰ ، ۲۳ ؛ مهدیقلی هدایت ، خاطرات و خطرات (تهران : زوار ، ۱۳۴۲ شمسی) ، صفحات ۱۴۷-۱۴۹ .

(۲۶) هدایت ، خاطرات ، ص ۱۴۹ .

Henry B. Mayo, an Introduction to (۲۷)
Democratic Theory (New York : Oxford
Univerity Press, 1960) P. 70.

(۲۸) ابوالحسن بزرگ امید مخبر همایون ، و مظفرالدین شاه و
مشروطیت ، ، ارمنان ، ج ۳۲ (۱۳۴۲ شمسی) ، ۱۰۴-۱۰۷ .

F.O.416/32, Spring- Rice's letter to Grey, (۲۹)
May 23, 1907, no. 220 113).

(۳۰) در مورد مسأله مساوات و تفسیرهایی که از قرن ۱۹ بیعد از آن
شده است و سپس اختلاف نظر پیشروان مشروطه در تطبیق آن با قوانین اسلام
بطور مشروح وسیله این نویسنده در جای دیگر بحث شده است . کسروی در
خصوص معنی مشروطه کتاب جالبی نوشته است . نگاه کنید به مشروطه بهترین
شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است (تهران : آزادگان ،
۱۳۳۵ شمسی) .

(۳۱) محمد اسماعیل رضوانی ، بیست و دو رساله تبلیغاتی از دوره
انقلاب مشروطیت ، ، راهنمای کتاب ، ج ۱۲ (۱۳۴۸ شمسی) ، ۲۳۵ .
پیرامون عقاید علماء ضد مشروطه در باره اصول این رژیم کتب و رسالات و
اعلامیه‌های بسیاری در همان دوره انقلاب مشروطه انتشار یافت ؛ بعضی از آن
نوشته‌ها در تواریخ مشروطه ایران آورده شده . به عقیده ما بهترین و جامع
ترین و نسبتاً معتدلترین اثر علماء ضد مشروطه همان فتوائی است که فضل‌اله
نوری صادر کرده و در این کتاب آمده است : دکتر مهدی ملک‌زاده ، تاریخ
انقلاب مشروطیت ایران (تهران : ابن سینا ، ۱۳۳۱ شمسی) ، ج ۴ .
صفحات ۲۰۹-۲۲۰ . ترجمه انگلیسی این فتوا همراه با شرح و یادداشت
وسیله نویسنده حاضر در دست انجام است و بزودی در دسترس خوانندگان
قرار خواهد گرفت .

(۳۲) این مطلب را نویسنده حاضر بصورت بسیار مشروحی در جای
دیگر مورد بحث قرار داده است . از نوشته‌های علماء مشروطه خواه پیش از

آثار مخالفین مشروطه در دست است . چند يك از آنها که برای تحقیق پیرامون عقاید علماء بسیار مفیدند عبارتند از نائینی ، تنبیه الامه ؛ محلاتی ، اللثالی ؛ حاج سید عبدالعظیم عمادالعلماء خلخالی ، معنی سلطنت مشروطه (تهران ؛ مطبعه شاهنشاهی ، ۱۳۲۵ قمری) ؛ شمس کاشمیری ، کلمه جامعه ؛ شیخ عبدالرسول کاشانی ، الانصافیه فی لزوم المشروطه و سخنرانی های سید جمال اصفهانی که در روزنامه الجمال چاپ می شده است . ترجمه فرانسوی یکی از آن سخنرانی ها را که نسبت به جامع و دارای نکات جالبی است می توان در این منبع یافت :

« Un Sermon de a . Seyyéd Djémal - ed - Dine » ترجمه A. L. M. Nicolas, Revue du Monde Musulman, II (1907), 313-30.

نیز نگاه کنید به رضوانی ، « بیست و دو رساله » ؛ دکتر غلامحسین صدیقی ، ده رساله تبدیلیاتی دیگر از صدر مشروطیت « راهنمای کتاب ، ج ۱۳ (۱۳۴۹ شمسی) ، ۱۷۰-۲۴ . در این دو مقاله لیست هایی از رسالات و کتبی که در دوره انقلاب مشروطه نوشته شده و نویسندگان چند يك از آنها روحانیون بوده اند ، معرفی گردیده است .

A. K. S. Lambton, « the Persian Constiitutional Revolution in the Middle East and Case Studies, ed. P. J. Vatikiotis (London : George Allen and Unwin Ltd. , 1972) , PP. 173 - 82. F.O. 416/32, Summary of proceedings of (۲۴) Persian National assembly from March 30, to april 33, 1807 by Churchill, Enclosure in Spring- rice's letter to Grey, Tehran, april 36, 1906, no. 1313 (8) .

(۲۵) نگاه کنید به مقاله مخبر همایون که در بالا یاد شد .